

اخلاق در قرآن و سنت

حاوی

یکصد مبحث اخلاقی

جلد اول

دکتر علی غضنفری

عضویت علمی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

دانشکده علوم و فنون قرآن کریم تهران

سرشناسه: غضنفری، علی، ۱۳۴۲-
عنوان و نام پدیدآور: اخلاق در قرآن و سنت: حاوی یکصد مبحث اخلاقی/ تألیف علی غضنفری
مشخصات نشر: تهران: دانشکده علوم قرآنی تهران از دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۳ جلد، ۱۶ص.
قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال ISBN: 978-600-91331-6-1

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع: ۱. اخلاق اسلامی؛ ۲. احادیث اخلاقی- قرن ۱۴: ۳. قرآن - اخلاق
رده بندی کنگره: ۳ الف ۶ غ/ BP۲۴۷۱۸
رده بندی دیسی: ۲۹۷/۶



- نام کتاب: اخلاق در قرآن و سنت (حاوی یکصد مبحث اخلاقی)؛ جلد یک
- ناشر: دانشکده علوم قرآنی تهران از دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
- مؤلف: دکتر علی غضنفری
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲
- چاپ: دژ
- تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۳۳۱-۶-۱

کلیه حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است
دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

فهرست

۱۹	مقدمه
۲۷	عناوین مباحث جلد اول
۲۹	ابلیس
۳۵	شیوه عمل ابلیس
۴۱	قدرت مانور شیطان
۴۲	بندگان ابلیس
۴۳	عوامل مصونیت
۴۷	عوامل رهایی از گزند ابلیس
۶۳	اثر گناه
۶۴	کبیره و صغیره
۶۵	بیماری گناه
۷۲	مکافات و مجازات
۷۶	حکمت اثر وضعی
۷۹	اسراف و اقتار
۸۰	مصادیق اسراف

- ۸۱ ۱- خوردن و آشامیدن
- ۸۲ ۲- اسراف در اموال
- ۸۳ مقدار اتفاق
- ۸۸ ۳- اسراف در اعمال
- ۹۰ اسراف در اعمال خیر
- ۹۳ افتخار کاذب
- ۹۴ حسن
- ۹۶ فصاحت و بلاغت
- ۹۸ مال و اولاد
- ۱۰۰ حسب و نسب (تاکید)
- ۱۰۱ قوت و قدرت
- ۱۰۳ ملک
- ۱۰۴ فخر در عرب
- ۱۰۵ و در نهایت
- ۱۰۷ افراط و تفریط
- ۱۰۹ تبعات افراط و تفریط
- ۱۱۱ مصادیق افراط و تفریط و اعتدال
- ۱۱۹ افشا اسرار
- ۱۲۰ رازدار
- ۱۲۴ افشا سر
- ۱۲۷ اسرار دیگران
- ۱۲۸ اسرار شیعه
- ۱۲۹ تقیه

۱۳۳	امیال و آرزوها.....
۱۳۵	آرزوهای غفلت‌زا.....
۱۳۶	آرزوی قبیح‌تر.....
۱۳۷	دنیای خیالی.....
۱۳۸	خصوصیات آرزوی باطل.....
۱۴۱	درمان بیماری.....
۱۴۳	ایمنی از مکر خداوند.....
۱۴۶	لوازم ایمنی.....
۱۴۸	عوامل ایمنی.....
۱۴۹	وظیفه علمای دین.....
۱۵۱	بدعت.....
۱۵۲	حرمت بدعت.....
۱۵۴	وظیفه ما.....
۱۵۷	وظیفه علماء.....
۱۵۸	رضا به بدعت.....
۱۵۹	موارد بدعت.....
۱۶۰	توبه بدعت‌گذار.....
۱۶۳	بیکاری.....
۱۶۴	اهمیت کار.....
۱۶۶	سیره عملی پیشوایان.....
۱۶۷	کار مشروع.....
۱۶۷	مذمت بیکاری.....
۱۶۹	خواب زیاد.....

۱۶۹	زراعت
۱۷۱	تجسس
۱۷۵	دقت در موارد جواز
۱۷۶	حرمت تجسس
۱۷۸	عقوبت تجسس
۱۸۱	تحقیر مؤمن
۱۸۳	آوردن تازیانه
۱۸۵	حرمت تحقیر
۱۸۶	توالی نهاده
۱۸۸	تذکر
۱۸۹	ترس و دلهره
۱۹۲	خوف از خداوند
۱۹۳	خوف از مقام رب
۱۹۴	مقام رب
۱۹۵	خوف صادق
۱۹۸	مایه خوف
۲۰۰	اسباب خوف
۲۰۱	خوف عالم
۲۰۱	خوف و رجاء
۲۰۶	آثار خوف
۲۰۷	گریه از خوف
۲۱۳	تعصب
۲۱۴	تعصب مذموم

۲۱۵	عوامل تعصب
۲۱۸	تبعات تعصب
۲۲۰	تعصب معدوح
۲۲۳	تعذی از حدود
۲۲۴	تغییر آفرینش
۲۲۵	شبهه
۲۲۸	تشبهه
۲۳۰	شناخت دگر
۲۳۲	سخت
۲۳۳	استبداد
۲۳۵	شهرت
۲۳۷	مواد مخدر
۲۳۹	تمسخر
۲۴۰	عوامل تمسخر
۲۴۱	مصادیق تمسخر
۲۴۵	تمسخر و عذاب
۲۴۷	توهین به مقدسات
۲۴۸	نبی مکرم ﷺ
۲۴۹	آل بیت پیامبر ﷺ
۲۵۰	قرآن
۲۵۲	کعبه
۲۵۳	بیت المقدس
۲۵۳	مسجد

۲۵۴	مشاهد مشرفه
۲۵۴	تربیت
۲۵۶	علماء دین
۲۵۷	سادات
۲۶۱	رمائط خیر
۲۶۲	سالمندان
۲۶۳	تهمت
۲۶۳	خداوند
۲۶۴	به انبیاء
۲۶۶	به مؤمنین
۲۶۷	چند تذکر
۲۶۹	جاه طلبی
۲۷۱	خصائص مقام
۲۷۳	محب مقام
۲۷۵	در آخرت
۲۷۶	زاممداری علی ۷
۲۷۹	طلب ریاست برای غیر
۲۸۰	آیه شریفه
۲۸۰	ریاست واقعی
۲۸۳	جدال
۲۸۶	مصادیق جدال غیر احسن
۲۹۰	مراء
۲۹۳	چاپلوسی

۲۹۵	یک استثناء
۲۹۵	دلایل حرمت
۲۹۹	شیوه برخورد با مداح
۳۰۳	مدح فاجر
۳۰۴	مدح خود
۳۰۷	چشم چرانی
۳۱۵	تبعات چشم چرانی
۳۱۸	اثار مثبت و رو بستن چشم
۳۱۹	نکات
۳۲۵	حبس حقوق
۳۲۶	انواع قرض
۳۲۷	انظار معسر
۳۲۹	معطل نمودن بستانکار
۳۳۰	نیت اداء
۳۳۱	ثواب پرداخت دین
۳۳۳	مقدار پرداخت
۳۳۵	حدود آزادی
۳۳۶	آزادی فطری
۳۳۷	آزادی اجتماعی
۳۳۷	منشاء اختلاف
۳۳۸	حقوق و آزادی
۳۴۰	آزادی در اسلام
۳۴۱	انسان در اسلام

۳۴۳	حَلَمَا
۳۴۴	حکام و آزادی
۳۴۵	نفاق بزرگ
۳۵۱	حسادت
۳۵۳	اثرات حسادت
۳۵۴	خصوصیات حسود
۳۵۷	حسادت یا غیبت
۳۵۸	مفسد گاه
۳۵۹	دو نوع حسادت
۳۶۱	خشکه مقدسی
۳۶۲	شیطان
۳۶۳	اصحاب
۳۶۹	تابعین
۳۷۰	باطن نه ظاهر
۳۷۳	نتیجه
۳۷۷	خودپسندی
۳۷۸	مراتب عجب
۳۷۹	عواقب عجب
۳۸۱	عجب مایه‌ای ندارد
۳۸۴	معالجه عجب
۳۸۷	خودکشی
۳۸۸	عوامل خودکشی
۳۹۱	راه درمان

۳۹۲	سقط جنین.....
۳۹۶	در زمانه ما.....
۳۹۷	دیه سقط جنین.....
۳۹۹	خیانت در امانت.....
۳۹۹	اهمیت امانت داری.....
۴۰۳	معکک سنجش آدمی.....
۴۰۴	امانت داری در زندگی.....
۴۰۵	غیر مؤنه.....
۴۰۶	
۴۰۸	امانت.....
۴۱۱	دروغ (اوصاف و تبعات).....
۴۱۲	بیان دیگر:.....
۴۱۴	اساس در سخن.....
۴۱۴	اوصاف کذب.....
۴۱۸	تبعات دروغ.....
۴۲۳	موجبات دروغ.....
۴۲۵	دروغ در قیامت.....
۴۲۷	دروغ (مراتب، جواز و...).....
۴۲۷	مراتب دروغ.....
۴۳۰	سه نمونه دیگر.....
۴۳۲	تحریص بر دروغ.....
۴۳۳	موارد جواز.....
۴۳۵	توریه.....

۴۳۸	 گوش دادن به دروغ
۴۳۹	 توبه
۴۴۱	 دروغ (سوگند دروغ)
۴۴۵	 مشروعیت سوگند
۴۴۶	 سوگند واجب
۴۴۷	 سوگند مکروه
۴۴۸	 سوگند رام
۴۴۹	 سوگند دقیق
۴۵۱	 سوگند سحر
۴۵۲	 دو نیت
۴۵۳	 متعلق سوگند
۴۵۷	 دروغ (شهادت دروغ)
۴۵۸	 وجوب اجابت
۴۵۹	 ثواب گواهی دادن
۴۶۰	 رجوع از شهادت
۴۶۰	 شهادت زور
۴۶۳	 شرایط شهود
۴۶۶	 اکرام شهود
۴۶۹	 دشمنی نفس
۴۷۰	 ویژگی های نفس
۴۷۳	 لزوم تزکیه نفس
۴۷۴	 عوامل تهذیب
۴۷۹	 نوعی مبارزه

۴۸۱	 دنیا و دین
۴۸۳	 نگرش اسلام به حیات
۴۸۴	 دنیا در آیات
۴۸۸	 دنیا در روایات
۴۹۵	 دنیاخواهی
۴۹۶	 چرا دنیا را دنیا نایندند؟
۴۹۷	 حبّ ذاتی
۴۹۸	 بهیله
۵۰۱	 زین
۵۰۲	 دنیا برای مومن
۵۰۴	 گذرگاه
۵۰۵	 گول زننده
۵۰۸	 عشق به دنیا
۵۱۰	 دو هوو
۵۱۱	 مثل دنیا
۵۱۳	 تلخی و شیرینی
۵۱۶	 نتیجه دنیا طلبی
۵۱۷	 دزدی
۵۱۸	 حقّ الناس
۵۲۰	 شرایط اجرای حدّ
۵۲۴	 بخشش سارق
۵۲۵	 پاسخ به سه شبهه
۵۳۱	 ربا

۵۳۱	ربا چیست ؟
۵۳۳	حیل شرعیه
۵۳۴	مکیل و موزون
۵۳۴	ربا در قرآن
۵۳۶	ربا در اخبار
۵۳۹	رباخوار بعد از مرگ
۵۴۰	مشتقات
۵۴۱	قرض الحسن: در مقابل ربوی
۵۴۲	قرض الحسن در روایات
۵۴۳	قرض الحسن در روایات
۵۴۷	رشوه
۵۴۹	رشوة در احکام
۵۵۰	حق السکوت
۵۵۲	هدیه
۵۵۳	هدیه اشعث
۵۵۵	یک نکته
۵۵۷	ریا
۵۶۱	علائم ریاکار
۵۶۲	خفاء در اعمال
۵۶۴	تبعات ریا
۵۷۰	نگهداری عمل
۵۷۳	زنا
۵۷۵	اثرات دنیوی

۵۷۷	عواقب اخروی
۵۷۸	حدّ
۵۷۹	راه‌های پیشگیری
۵۸۳	زنا (متعلقات زنا)
۵۸۳	مساحقه
۵۸۴	سائط
۵۸۵	دیانت
۵۸۵	استماع
۵۸۷	نکاح
۵۸۷	بوسه
۵۸۸	مصافحه
۵۸۹	زناي گوش
۵۹۰	استعمال عطر
۵۹۳	زبان زبان
۵۹۴	فوائد زبان
۵۹۶	فوائد گفتاری زبان
۵۹۷	ضررهای زبان
۵۹۹	گنا‌هانی که از زبان صادر می‌شوند
۶۰	فهرست منابع
۶۱۵	عناوین مباحثی که در جلد دوم می‌خوانید

مقدمه

اخلاق به پایه اصول جهان بینی تعریف می شود و نظریات اخلاقی بستگی به تصویری دارند که اپیدئولوژی ارائه می دهد.

برای تبیین نظریه اسلام در خصوص «اخلاق» و میزان اهمیت آن، توجه به سه اصل ذیل به عنوان اصول جهان بینی اسلام ضروری است.

الف - اعتقاد به مبدأ هستی بخش بخداوند که ملکیت جهان به دست قدرت اوست. إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ...^(۱)، به طوری که هیچ عمل بدون اذن او از مخلوقاتش صادر نمی شود و هیچ برگری بی اذن حضرتش از درختی بر زمین نشوید... «... وَ مَا تَشْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسُ إِلَّا فِي كِتَابٍ عِلْمٍ»^(۲)

ب - اعتقاد به اینکه هیچ چیزی در عالم به غیر از خدای متعال امکان ندارد، واجب الوجود، او و تنها اوست و غیر او همه ممکناتی هستند که وجود آنها به او محکی داشته و همه را خداوند برای تکمیل نظام طبیعت و نقش آنها در هدایت اشرف آنان یعنی انسان آفریده است. بنابراین جماد، نبات، حیوان، ملک، جن و انس موجوداتی وابسته بوده و غرض محض

۱ - (توبه - آیه ۱۱۶).

۲ - (انعام - آیه ۵۹).

فقط خداوند است. «... إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (۱)

ج - اعتقاد به معاد و اینکه خلقت جهانی چنین منظم و دقیق، بیهوده نبوده و انسان که اشرف کائنات لقب گرفته، یکه آفریده نشده است.

او را زمانی است که جوابگوی شرافتش باشد و برخورد او با همه کائنات که تنها برای گل برسد وجود، خلق شده اند، مورد بررسی قرار گیرد. «... إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (۲)

اینکه دین طبع این اصول، لازم است ویژگی های انسان و البته خصایصی که مرتبط با بحث است و را در رسیدن به بیان برنامه اخلاقی اسلام یاری می دهد، به اجمال فهرست نماییم.

۱- انسان از دو بخش جسمانی و روحانی ترکیب یافته است. جسم آدمی از خاک «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» (۳) و روح او مستقیماً از سوی خداوند به وی دمیده شده است. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (۴)

۲- روح دارای مراتبی است و به اختصاری می توان سه مرتبه برای آن در نظر گرفت: مرتبه اول، نفس نباتی است که رشد و نمو را کنترل می کند؛ مرتبه دوم، نفس حیوانی بوده و مأمور غرایز و ادراکات محدود می باشد؛ سومین مرتبه نفس، نفس انسانی است و البته شخصیت انسان به همان وابسته بوده و وجه تمایز انسان از سایر موجودات نیز همین است.

طبعاً این سه مرتبه در طول هم قرار دارند. بالاترین مرتبه نفس انسانی و پایین ترین مرتبه نفس حیوانی بوده و همین طور بالاترین مرتبه نفس حیوانی، پائین ترین مرتبه نفس انسانی است؛ ضعیف ترین مرحله نفس انسانی آخرین حد سقوط آدمی و همان اسفل سافلین

۱ - (سوره لقمان - آیه ۲۶).

۲ - (سوره مائده - آیه ۴۸).

۳ - (سوره مؤمنون - آیه ۱۲).

۴ - (سوره حجر - آیه ۲۹).

اوست؛ و البته بالاترین مرتبه آن، نهایت قوس صعودی و اعلیٰ علیین می باشد و از آن به کمال مطلوب تعبیر می کنیم.

۳- روان آدمی از سه قوه شهویه، غضبیه و عقلیه تشکیل یافته است. قوه شهویه تمام خواسته ها و امیال انسانی را عهده دار است و اولین علامت بروز آن، از لحظه تولد و با میل به غذا «شیر» آغاز می گردد و با همان، اعلام موجودیت می کند.

قوه غضبیه مسئولیت دفاع از انسان را در برابر خطرات احتمالی بر عهده دارد، و برای اولین بار در زمان شیرخوارگی و با حرکت دست و پا برای دفع پشه ای و یا هر عامل تعدی کننده دیگری بروز می نماید.

قوه عقلیه عهده دار تحلیل ادراکات حاصله از سایر ابزارهای جسمی و روحی بوده و کنترل قوای مختلف و حفظ تعادل آنها را برای ادامه سیر طبیعی به سوی کمال مطلوب بر عهده دارد. ۴- انسان موجودی با اختیار بوده است. وی اعمال و رفتار خود را بر اساس همین اصل، انجام داده و در ترجمه امیال و گرایش ها، توان برگزیدن راه و مسیری دلخواه از روی علم و آگاهی را داراست. گسترده گسترده است، آدمی را از سایر موجودات دیگر که به نوعی هرچند اختیاری، مجبور و مجبورند و نیز موجوداتی که اختیارات محدود آنها غریزه ای و نه از روی آگاهی است، متمایز می سازد.

۵- نیازهای آدمی به شکلی است که امکان زندگی فردی و اجتماعی او وجود ندارد، انسان اجتماعی خلق شده و لذا یکی از مؤثرات در وجود او همان اجتماع است.

۶- یکی از ذاتیات انسان خود دوستی است، این امر ذاتی یعنی «حُبُّ نَفْسٍ» به صورت دو عشق دیگر بارز می شود و آن دو «حُبُّ بَقَا» و «حُبُّ کِمَال» می باشند، او چون دوست را دوست دارد می خواهد بماند و بالاتر اینکه می خواهد به بهترین شکل ممکن بماند.

ناگفته نماند که حضرت آدم علیه السلام بخاطر همین ویژگی، مورد اغوای ابلیس قرار گرفت و به درختی که گمان می کرد آب حیات است و او را خالد و جاودان می سازد، پناه برد.

خود دوستی، آدمی را به حرکت برای بقاء و کمال خویشتن و می دارد و لذا منافع را برای

خود جلب و جذب می‌کند و ضررها را از خود دفع می‌نماید. معیار منفعت و ضرر نیز همان چیزی است که بتواند او را در رسیدن به هدفش یاری نماید یا دور سازد.

۷- استعداد ذاتی انسان‌ها بی‌تردید در شکل‌گیری شخصیت آتی او نقش مهمی ایفاء می‌کند. این استعدادها در همه افراد بشر به یک گونه نیستند، خواه نصیر در اخلاق ناصری عرفیت‌های اولیه را به پنج دسته تقسیم می‌کند، بنابراین تقسیم، دسته‌ای از انسان‌ها خیرند و سیر آنان مسری است. دسته‌ای دیگر خیر فی نفسه می‌باشند. عده‌ای نیز خیر و شر آنان مساوی است، چهارمین گروه شر ولی آفات آنان مسری نمی‌باشد و دسته پنجم شر مسری هستند.

البته ظرف آتی بعد از تولد نسبت به پذیرش خیر و شر علی السویه است ولی این ظرف (ظرف پذیرش)، بسته به استعداد ذاتی آن همسان نیست و طبعاً دسته پنجم برای رسیدن به سعادت راهی بس دشوار در پیش دارند راهی که با مشقت کمتری برای دسته اول امکان‌پذیر است.

۸- میل و رغبت انسان به شقاوت بیشتر از سعادت اوست، و این به جهت وجود قوای شهوت و غضب، نفس و سوسه‌گر درون، ابله و جاهل‌های برون، موافقت شرور با لذات جسمانی و آبی و بدون تأخیر و... می‌باشد.

قال علی (ع): «الشَّرُّ كَامِنٌ فِي طَبِيعَةِ كُلِّ أَحَدٍ فَإِنْ غَلَبَهُ صَاحِبُهُ كَفَّ وَ إِنْ لَمْ يَغْلِبْهُ ظَهَرَ»^(۱) و نیز فرموده است:

«أَكْرَهُ نَفْسِكَ عَلَى الْقَضَائِلِ فَإِنَّ الرِّذَائِلَ أَنْتَ مَطْبُوعٌ عَلَيْهَا»^(۲)

با توجه به اصولی که مطرح شد و نیز پس از بیان خصوصیات انسان، حرکت انسان به

۱- بدی در نهاد هر انسانی قرار داده شده است، اگر آدمی بر آن چیره شد، پنهان ماند و گر نه آشکار شود. (غرر الحکم).

۲- نفس خود را به نیکیها و ادب نما، که بدیها بالطبع در نهاد تو گذاشته شده است. (غرر الحکم).

سوی کمال مطلوب و نهائی خود حتمی به نظر می‌رسد، اما این هدف غایی برای آدمی، کجاست؟

دین اسلام به عنوان تمام‌ترین و کامل‌ترین ادیان آسمانی، کمال نهایی را در «قرب الهی» معرفی کرده‌است. هر چند خدای متعال از رگ گردن به آدمی نزدیکتر است. «... وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»^(۱)، ولی این نوع از تقرّب تکوینی بوده و در اختیار آدمی نیست و طبعاً مشمول ثواب و عقاب نیز نمی‌باشد.

بدیهی است نزدیکی خداوند به انسان به حدّی است که حضرت جلّ جلاله، از شدّت ظهور در خفاست. همچون خورشید که هر چه به چشم نزدیکتر گردد، دیده را خیره ساخته و آن را از رؤیت خود محروم می‌سازد. البته این گوی فروزان مخلوق اوست و این مثال جز جهت تقریب ذهن بیان شده‌است.

تقرّبی که ما از آن سخن به میان آوریم آن است که انسان در سایه اراده و اختیار خود از نفس سویه، بدان حدّ از تقرّب راه یافته‌اند که به مراحل بالا و بالاتر و آخرین مرتبه قوس صعودی منتهی گردد.

این مهم زمانی برای انسان محقق می‌شود که وی ضمن اعتقاد راسخ به مبدأ غنی و رجوع خلاق فقیر به او، امیال اصیل را از میان گرایش‌های بگربان‌شناسد، مؤثرات درونی و بیرونی را مورد غفلت قرار ندهد، قوای روح خود را معطل نگذارد و روانش را به ملکات حسنه قوّت بخشد. جسمش را در کنترل خود گرفته تا حدّی که خشم و عصبانیت جسمانی را از او بازستانده، الم و لذّت مادی را از او گرفته، و حتّی بعد از جدا شدن از این خاک را در وی بی‌تأثیر نماید.

بی‌تردید چنین تقرّبی تنها در سایه عمل امکان‌پذیر است، همان که ده‌ها بار در قرآن کریم

در کنار اعتقاد ذکر شده است. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّیَّةِ» (۱). شناخت چنین اعمالی که بتواند حرکت فطری تکاملی انسان را شتاب بخشد و موانع بر سر راه را بر دارد، به آسانی ممکن نبوده و یا اساساً غیر ممکن است چه اینکه انسان را توان احاطه بر آینده نیست و اسباب و موانع را نمی تواند از پیش بشناسد.

به هر حال او محتاج به منبعی قوی و مطمئن است که پستی و بلندی ها را عیان و راه لغزش را مسدود کرده و نه فقط «اهدای طریق» بلکه تا «ایصال الی المطلوب» آدمی را همراهی نماید و این همان وحی نازل از سوی خداوندی است که تمام صفحه وجود، و گذشته و آینده برای او آشکار گردیده و او را تنها از همین راه، و تفسیر و تبیین آن راه به وسیله کسانی که با وحی با او مرتبطند، می توان به هدف غایی و کمال نهایی دست یافت.

علاوه بر این سیر عقلانی که مانع نمود، بحران اجتماعی حاصله از زندگی ماشینی، از ناهنجاری های جامعه تا گسترش فقر و بود خانواده و گسترش دنیاگرایی و زوال ملکات حسنه و ترویج رذایل و حرکت ستابان به سوی آینده جاهله و دوری از مدینه فاضله به قدر توسعه ارتباطات، ما را به این مهم وامی دارد که چاره ای اندیشه کنیم.

آنچه پیش روی دارید حاصل سال ها مطالعه و تحقیق و پژوهش در آیات و روایات و حکایات و نیز صدها کتاب و مقاله در این باره است.

این مجموعه به بررسی یکصد موضوع اخلاقی (بخش ردائیل) به روشی ساده و تصویری همه جانبه را از هر رذیله ارائه داده است. همچنین جنبه های قابل پرهیز بر سر مسائلی که در انتها آثار وضعی ردائیل بیان شده است.

گسترش موضوعات و عناوین، شاخ و برگ های عملی مباحث مطروحه، توجیهات عقلی و حاشیه ای، بلکه اصیل و دقیق به آیات قرآن کریم و احادیث نبوی و علوی و ولوی و حتی المقلود بیان محتوای آنها در ترجمه و پرهیز از ترجمه های تحت لفظی، از شاخصه های

این نوشتار است. البته چه بسا در بدو امر، ظاهر برخی عناوین، اخلاقی به نظر نرسد و در زمره مباحث اعتقادی و یا تاریخی قرار گیرد، ولی سیر مباحث و گرایش عناوین، به سوی اخلاق عملی است، مضافاً اینکه همان مباحث از جهات نه چندان بعیدی می‌توانند در پرونده مسائل اخلاقی جای گیرند و حتی عناوینی چون موضوعات مرتبط با معاد، می‌توانند زیربنای مسائل اخلاقی شمرده شوند.

به هر حال با اینکه نهایت سعی خود را بکار برده‌ام تا مجموعه‌ای وزین ارائه نمایم، اما هیچ‌گاه، کار خود را عاری از عیوب ندانسته و به وجود نقایص و لغزش‌هایی که شاید آنها را محسوس شمرده یا اساساً از آنها غافل بوده‌ام، مطمئن می‌باشم، چراکه عیوب و کاستی‌ها از صفات غیر قابل انکار بندگان در مقابل خالق منزّه از هر عیب و نقصی است، «سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَظِيمٍ» (۱) و اگر نقص بنده آشکار نشود، چگونه کمال معبود عیان گردد؟

در پایان از حضرت احدیت جل و اعلیٰ می‌خواهم که مرا از نقد و ارشاد مؤمنین محروم نسازد.

امید که خدای متعال عنایت امام عصر (عج) را بر نویسنده مستدام و مشمول ادعیه شریفه حضرتش نموده و در زمره خادمان و سربازان بیت نام‌کند و ظهور او را هر چه سریعتر مقرر فرماید. ان شاء الله

۱۰ ذی حجة ۱۴۱۹

قم المقدسه

علی مصنفی